

چیستی اخلاق کاربردی

احمدحسین شریفی*

چکیده

اخلاق کاربردی، از دانش‌های نوپدید است. هر چند در عالم غرب منابع متعددی با عنوان «اخلاق کاربردی» تدوین شده است، اما به نظر می‌رسد هنوز تعریف دقیقی از این شاخه علمی ارائه نشده است. از این رو، بسیاری از خوانندگان آن را با موضوعاتی همچون اخلاق عملی، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق موضوعی و امثال آن خلط می‌کنند. در این مقاله سعی شده است، ضمن ارائه تعریفی دقیق از این علم، ابعاد سلبی و ایجابی، حدود و ثغور آن و همچنین ارتباط اخلاق کاربردی با موضوعاتی همچون فرااخلاق و اخلاق هنجاری را روشن نماییم. در مجموع، به نظر می‌رسد این اخلاق کاربردی با دانش‌ها و مسائلی همچون اخلاق هنجاری، علم اخلاق، اخلاق عملی، اخلاق موضوعی و امثال آن متفاوت است. اخلاق کاربردی عبارت است از: کاربری مبانی و معیارهای ارزش‌دآوری اخلاقی، که مبانی ارزش‌دآوری در فرااخلاق و معیارهای ارزش‌دآوری در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق کاربردی، فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق عملی.

مقدمه

هر چند معلوم نیست که نخستین بار اصطلاح «اخلاق کاربردی» را چه کسی به کار برده است، اما گفته شده پیتر سینگر، از فیلسوفان اخلاق معاصر، جاعل این اصطلاح و نخستین کسی است که این اصطلاح را به معنای امروزی آن به کار برده است. به هر حال، عمر زیادی از اصطلاح «اخلاق کاربردی» در ادبیات علمی نمی‌گذرد و تحقیقات در این زمینه نیز بسیار اندک‌شمارند. هنوز نویسندگان و پژوهش‌گران این عرصه نتوانسته‌اند بر تعریفی واحد از این رشته علمی اجماع کنند.

در کشور ما نیز این ضعف مشهودتر است؛ هر کسی به گونه‌ای آن را تعریف می‌کند: برخی اخلاق کاربردی را در معنای تحت‌اللفظی و به معنای اخلاقی که کاربرد داشته باشد، تعریف می‌کنند! برخی اخلاق کاربردی را به معنای اخلاق زندگی دانسته‌اند! معلوم نیست نویسندگان چه تصویری از این موضوع داشته و دارند، براستی مگر اخلاق غیر کاربردی و اخلاق غیر زندگی هم وجود دارد که اخلاق کاربردی را اخلاق زندگی یا اخلاق برای کاربرد در زندگی تعریف کنیم. برخی نیز اخلاق کاربردی را به معنای کاربردی کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی می‌دانند. به عبارت دیگر، گمان می‌کنند اخلاق کاربردی به معنای نهادینه کردن اخلاق در زندگی است. البته کاربردی کردن ارزش‌ها و نهادینه کردن آنها در زندگی فردی و اجتماعی، امری بسیار مهم و ضروری است، اما رسالت و وظیفه اخلاق کاربردی این نیست. برخی نیز اخلاق کاربردی را همان اخلاق هنجاری می‌دانند، با این تفاوت که اخلاق هنجاری عام و کلی است و اختصاصی به حوزه و قلمرو خاصی ندارد، اما اخلاق کاربردی تخصصی و موضوعی است و بر یک موضوع و قلمرو خاص از زندگی اجتماعی انسان متمرکز است.

این مقاله در تلاش است در حد توان، حدود و ثغور این دانش یا این شاخه از دانش اخلاق را تبیین کند. امید است که بتواند سهمی در ابهام‌زدایی از این اصطلاح ایفا نماید.

ابعاد سلبی اخلاق کاربردی

پیش از آنکه به صورت ایجابی به تعریف و تبیین اخلاق کاربردی بپردازیم، لازم است مشخص کنیم که اخلاق کاربردی چه نوع تحقیقات و مطالعاتی نیست.

۱. «اخلاق کاربردی» پژوهشی صرفاً توصیفی و گزارشی نیست؛ گاهی ممکن است یک محقق صرفاً به توصیف و گزارش اخلاقیات فرد، گروه یا جامعه‌ای بپردازد. متدولوژی این

نوع فعالیت نیز متدولوژی تاریخی و نقلی است و غالباً از سوی جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان و مورخان صورت می‌گیرد. اما در اخلاق کاربردی صرفاً به توصیف هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی نمی‌پردازیم، بلکه کار استنباط آنها را نیز بر عهده داریم. روش ما در اخلاق کاربردی، صرفاً روش نقلی و تاریخی و تجربی نیست، بلکه روش عقلی، استدلالی و فلسفی است.

۲. اخلاق کاربردی از نوع پژوهش‌های تحلیلی، فلسفی و به اصطلاح، فرااخلاقی هم نیست. در این نوع پژوهش‌ها، هیچ نوع ارزش‌داوری نمی‌شود. صرفاً به تحلیل ارزش‌داوری‌های صورت گرفته، با روش‌شناسی عقلی، فلسفی و تحلیلی اقدام می‌شود. در حالی که در اخلاق کاربردی، افعال و موضوعات اخلاقی مورد ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند و فضیلت و رذیلت آنها تعیین می‌گردد. پژوهشگر عرصه فرااخلاق نیازی به تخصص در موضوعات خاص اخلاقی را ندارد. مهم‌ترین تخصص مورد نیاز او فلسفه است. در حالی که، پژوهشگر عرصه اخلاق کاربردی، افزون بر آشنایی کافی با مطالعات فلسفی، فرااخلاقی، و علم اخلاق، لازم است با مسائل حوزه خاصی که اخلاقیات آن را بررسی می‌کند، نیز آشنایی کافی داشته باشد. به عنوان مثال، اگر می‌خواهد مسئله‌ای از مسائل پزشکی را مورد تحلیل ارزش‌داورانه قرار دهد، نمی‌تواند با این دانش بیگانه باشد. یا اگر در صدد بررسی اخلاقیات عرصه محیط زیست است، لازم است با این حوزه آشنایی کافی داشته باشد.

۳. اخلاق کاربردی، اخلاق هنجاری و دستوری هم نیست. در اخلاق هنجاری، معیارهای کلی ارزش‌داوری‌های اخلاقی تعیین می‌گردد و ناظر به حوزه خاصی نیست. به عبارت دیگر، در اخلاق هنجاری، معیار تمایز کارهای خوب و بد، به طور کلی و صرف نظر از فعالیت‌های ناظر به حوزه‌های خاص، مشخص می‌شود. در حالی که، اخلاق کاربردی تبیین معیار ارزش‌داوری در حوزه و مسئله خاص است؛ یعنی ناظر به حیطه و حوزه خاصی از زندگی انسان است. به عنوان مثال، ناظر به پزشکی، محیط زیست، معاشرت، معیشت و امثال آن است. علاوه بر این، اخلاق کاربردی خود را متکفل حل تراحامات اخلاقی و همچنین پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید اخلاقی می‌داند. در حالی که، اخلاق هنجاری چنین التزامی ندارد و فقط در صدد بیان معیار ارزش‌داوری است، نه تبیین کاربرد آن معیار برای حل مسائل و معضلات اخلاقی.

۴. اخلاق کاربردی، اخلاق موضوعی هم نیست. اخلاق موضوعی مثل تفسیر موضوعی، در حقیقت همان علم اخلاق است، با این تفاوت که متمرکز بر یک موضوع می‌شود و همه فضایل و رذایل مربوط به آن را بر اساس معیاری خاص، فهرست می‌کند. به عبارت دیگر، اخلاق موضوعی صرفاً یک شگرد در ارائه علم اخلاق است. اما اخلاق کاربردی، یک شاخه علمی و پژوهشی مستقل درباره اخلاق است. هرگز متصدی ارائه موضوعی و دسته‌بندی شده رذایل و فضایل اخلاقی نیست. البته، اخلاق کاربردی معمولاً مسئله محور است. یک مسئله خاص را، که عموماً از مسائل نوپدید و چالش‌انگیز اخلاقی نیز هست، مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهد. اما این، به این معنای نیست که آن را تا سطح اخلاق موضوعی تقلیل دهیم.

ابعاد ایجابی اخلاق کاربردی

در اخلاق کاربردی اصول، مبانی و ارزش‌های یک مکتب اخلاقی درباره رفتار یا مجموعه‌ای از رفتارهای خاص به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال، در مطالعه پیرامون سقط جنین بر اساس اصول، مبانی و ارزش‌های مکتب سودگرایی یا نظریه قرارداد اجتماعی یا نظریه وظیفه‌گرایی در این باره داور می‌کنیم و حکم اخلاقی آن را به دست می‌آوریم. در این شاخه دانش، سعی می‌شود اصول مورد قبول یک نظریه یا مکتب خاص، در موارد جزئی و خاص و در شرایط ویژه به کار گرفته شود. بنابراین، می‌توان اخلاق کاربردی را این‌گونه تعریف کرد: «کاربرد نظریه‌های کلی اخلاقی، یا احکام حاصل از آنها در مسائل خاص اخلاقی».^۱ به عبارت دقیق‌تر، اخلاق کاربردی عبارت است از: «کاربرد مبانی و معیارهای اخلاقی در حوزه یا مسئله‌ای خاص». توضیح بیشتر این تعریف در ادامه خواهد آمد.

در اینجا برای داشتن تصویری روشن از اهداف، رسالت‌ها و وظایف اخلاق کاربردی، برخی از مهم‌ترین کارکردهای آن را توضیح می‌دهیم:

۱. نشان دادن چگونگی اعمال احکام اخلاقی و چگونگی انجام وظایف اخلاقی یا کاربردی کردن توصیه‌ها و ارزش‌های عام اخلاقی، یکی از کارکردهای مهم اخلاق کاربردی است. مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی عام همچون «غیبت بد است»، «راست‌گویی خوب است» و امثال آن وجود دارد. در اخلاق کاربردی تلاش می‌شود که

چگونگی اعمال این توصیه‌های عام، در مسائلی خاص از زندگی فردی یا اجتماعی نشان داده شود. البته، اخلاق کاربردی در این جهت با تربیت اخلاقی و همچنین برخی از مباحث علم اخلاق مشترک است.

۲. کمک به اتخاذ تصمیمات درست اخلاقی در مقاطع حساس، از دیگر کارکردهای اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی به جای ارائه نسخه‌های کلی و غیرقابل اعمال و یا موضع‌گیری‌های مقطعی و متغیر، می‌کوشد شاخص‌ها و معیارهایی مشخص و راه‌گشا در اختیار افراد قرار دهد. علم اخلاق درصدد ارائه نسخه‌ای کلی درباره ارزش رفتارهای اختیاری و صفات اکتسابی است. هر چند در مواردی ممکن است آن نسخه کلی راه‌گشا نباشد و فرد در دوراهی‌های اخلاقی گرفتار آید. اخلاق کاربردی در چنین شرایطی می‌تواند به افراد کمک نماید که بهترین تصمیم اخلاقی را اتخاذ کنند. البته روشن است که این سخن به معنای تأیید دیدگاه‌های «جزیی‌نگر» مثل «شهودگرایی» یا «اخلاق وضعیت» نیست.

۳. از دیگر کارکردها و رسالت‌های اخلاق کاربردی، کمک به فراگیران برای تقویت بُعد عقلانی و استدلالی آنان و به کارگیری استدلال اخلاقی در امور روزمره زندگی است. با توجه به روش‌شناسی اخلاق کاربردی، که روش عقلانی، استدلالی، استنباطی و اجتهادی است، اخلاق کاربردی نقش بسزایی در تقویت بعد عقلانی افراد و تقویت استدلال اخلاقی آنان خواهد داشت. اخلاق کاربردی به افراد کمک می‌کند که در امور روزمره زندگی خود و به منظور تشخیص وظیفه اخلاقی خویش، به ویژه در مقاطع خاص و حساس اخلاقی، به صورتی روشمند و ضابطه‌مند بتوانند از عقل و استدلال عقلانی استفاده نمایند. البته روشن است که همه افراد توانمندی لازم را برای این کار ندارند. بسیاری از افراد در این‌گونه موارد، اهل تقلید و تبعیت از متخصصان و اندیشمندان هستند. از جمله تفاوت‌های عمده اخلاق کاربردی و علم اخلاق در این نکته نهفته است که اخلاق کاربردی می‌کوشد به جای ارائه فهرست بلندی از فضایل و رذایل اخلاقی، معیارهایی مشخص، کاربردی و راه‌گشا در اختیار افراد قرار دهد. در علم اخلاق، ما با فهرست بلندی از خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی مواجه هستیم. اما در اخلاق کاربردی، تلاش بر این است که با تمسک به مبنا و معیاری مشخص در حوزه ارزش‌ها، حکم اخلاقی مسئله یا مسائلی خاص را تبیین کند.

۴. اخلاق کاربردی، بر خلاف علم اخلاق، مسئله محور است، نه موضوع محور. به جای ارزش گذاری درباره همه مسائل مربوط به افعال اختیاری انسان یا صفات اکتسابی او و یا به جای حل همه مسائل اخلاقی ناظر به یک قلمرو خاص رفتاری مثل «پزشکی»، «محیط زیست»، «معیشت»، «معاشرت» و امثال آن، - کاری که در اخلاق موضوعی دنبال می شود - بر مسئله یا مسائل خاصی، که عموماً از سنخ مسائل نوپدید و چالشی اند، متمرکز می شود. این علم می کوشد با تکیه بر مبانی و معیارهای ارزش داوری، به حل آن مسائل بپردازد. البته حل آن مسائل، خود می تواند الگویی برای تبیین سایر مسائل نیز باشد.

۵. از دیگر کارکردهای اخلاق کاربردی، کاربرد و تطبیق استدلالها، ارزشها و ایده آل های اخلاقی در موارد خاص است. اخلاق کاربردی را می توان ثمره عینی و عملی نظریات فرااخلاق و اخلاق هنجاری دانست. به عنوان مثال، اگر در فرااخلاق به این نتیجه برسیم که جمادات اخلاقی از واقعیات حکایت می کنند، طبیعتاً وقتی در موارد عینی و جزئی بخواهیم وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهیم، باید واقعیاتها را در نظر بگیریم و همه تلاش ما این باشد که حکم واقعی را کشف کنیم. یا اگر در اخلاق هنجاری، معیار ارزش داوری را غایت گرایی دانستیم، در اخلاق کاربردی با تکیه بر این قاعده و با استناد به آن، باید وظیفه خود را در مسائل خاصی همچون قتل ترحمی، سقط جنین، خودکشی، جنگ، رفتار با دشمن و امثال آن به دست آوریم.

۶. اخلاق کاربردی، ماهیتی میان رشته ای دارد. البته هر چند این بحث از کارکردهای اخلاق کاربردی نیست، اما از آنجا که توجه به آن، برای فهم دقیق تر ماهیت اخلاق کاربردی مفید است، در اینجا آن را بیان می کنیم. توضیح آنکه، اخلاق کاربردی به بررسی مسائل اخلاقی ناظر به حوزه های خاص رفتاری می پردازد. به همین دلیل، علمی میان رشته ای است. متخصص اخلاق حرفه ای، علاوه بر آگاهی نسبت به برخی مباحث فرااخلاق و اطلاع دقیق از قواعد و معیارهای ارزش داوری اخلاقی، لازم است اطلاعاتی نسبتاً دقیق از حوزه و قلمرویی که می خواهد اخلاقیات آن را بیان کند، داشته باشد. به عنوان مثال، بدون اطلاع از مرگ مغزی و جنین و امثال آن، نمی توان وظایف اخلاقی پزشکان و پرستاران و را درباره چگونگی برخورد با این گونه مسائل استنباط کرد. و یا بدون اطلاع از مسائل سیاست و به صرف آگاهی از مباحث فرااخلاق و معیارهای اخلاقی،

نمی‌توان راه‌حلی معقول و مقبول برای معضلات اخلاقی حوزه سیاست و سیاستمداران ارائه داد. با توجه به اینکه برخی از این حوزه‌ها ذاتاً موضوع مطالعات علوم دیگرند، اخلاق کاربردی نیز علمی میان رشته‌ای خواهد بود. اخلاق کاربردی با علمی همچون روان‌شناسی، روان‌کاوی، علوم سیاسی، تاریخ، حقوق، مدیریت، جامعه‌شناسی، پزشکی و امثال آن مرتبط است. به عنوان مثال، حل مسئله اخلاقی زیر، که از مسائل اخلاق پزشکی است، در گرو آگاهی و تعیین موضع درباره بسیاری از مسائل انسان‌شناسی و الیهاتی و پزشکی و امثال آن است: تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که علت اصلی کم‌خونی مدیترانه‌ای، که در میان سیاه‌پوستان آفریقا رواج دارد، ژن‌ها هستند. ممکن است با توسعه تحقیقات بیوتکنولوژی بتوان در آینده‌ای نزدیک، ژن به وجود آورنده این بیماری را از میان برد. اگر چنین علمی را در اختیار داشته باشیم، به حکم «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند» نمی‌توان این علم را از سیاهان آفریقا دریغ داشت. اما اگر بخواهیم این بیماری را به طور کلی ریشه کن کنیم، باید به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهیم:

با توجه به اینکه این ژن علیه مالاریا تأثیر زیادی دارد و در شرایط کنونی برای تولید هر داروی ضد بیماری مالاریا، نیازمند چنین ژنی هستیم، آیا چنین کاری، از نظر اخلاقی انتخاب درستی برای انسان است؟ علاوه بر این، از کجا می‌توان مطمئن بود که ژن‌هایی که در حال حاضر برای انسان مضر هستند، در آینده نتوان از آنها بهره‌برداری مفیدتری داشت؟ در عین حال، اگر نگاه خود را به افراد حامل چنین ژن‌هایی متمرکز کنیم، روشن است که هیچ کس حاضر نیست آن ژن‌ها در بدنش باقی بماند. در اینجا، تعارضی اخلاقی میان حفظ جان تعدادی از افراد و یا اهمیت دادن به زندگی تعداد بسیاری و یا همه انسان‌ها وجود دارد. آیا همه ژن‌هایی که امروزه علم آن را مضر تشخیص داده است، باید از بین بروند یا با این تصور که ممکن است در آینده فوایدی داشته باشند، لازم است آنها را برای آینده انسان‌ها حفظ کنیم؟

شرایط لازم برای تخصص در اخلاق کاربردی

ویژگی‌هایی که برای اخلاق کاربردی برشمردیم، خصوصیات و شرایط ویژه‌ای را برای متخصصان اخلاق کاربردی اقتضا می‌کنند. در زیر به برخی از اهم آنها اشاره می‌کنیم:

۱. برای تخصص در اخلاق کاربردی، حتماً باید در فرااخلاق صاحب نظر باشیم و یا اینکه مبنای مشخصی را اتخاذ کنیم؛ زیرا اخلاق کاربردی در حقیقت، کاربست مبانی ارزش‌داوری اخلاقی است که این مبانی در فرااخلاق به دست آمده و مورد بحث قرار می‌گیرند. کسی که با تکیه بر آن مبانی در مقام عمل و در مورد مصادیق خاص ارزش‌داوری می‌کند، باید نسبت به آنها آشنایی کافی داشته باشد.
۲. داشتن یک نظام اخلاقی خاص، شرط ورود به اخلاق کاربردی است. در حقیقت، اخلاق هنجاری یک نظام اخلاقی و معیاری کلی برای ارزش‌داوری اخلاقی در اختیار ما قرار می‌دهد. اخلاق کاربردی، به شدت متأثر از اخلاق هنجاری است. در اخلاق کاربردی، می‌توان تحقق خارجی آن معیارها را مشاهده کرد. بنابراین، ورود به اخلاق کاربردی، متوقف و متفرع بر داشتن یا پذیرفتن یک نظام اخلاقی خاص است.
۳. متخصص در اخلاق کاربردی، لازم است از قدرت استنباط و قوه اجتهاد برخوردار باشد؛ زیرا فعالیت در این عرصه، نوعی فعالیت اجتهادی است؛ ارائه حکم اخلاقی برای حوزه‌های نوپدید یا مسائل مستحدثه اخلاقی است. این کار، بدون داشتن قوه اجتهاد و قدرت استنباط اگر هم امکان‌پذیر باشد، به احتمال زیاد موجب انحراف افراد و جامعه خواهد شد.
۴. در هر حوزه‌ای لازم است دست کم آگاهی عمومی نسبت به مسائل آن حوزه داشته باشیم؛ بدون آشنایی عمومی با پزشکی، نمی‌توان در باب مسائل و معضلات اخلاق پزشکی راه حل ارائه کرد. بدون آگاهی از محیط زیست نمی‌توان احکام اخلاقی در این زمینه تبیین کرد. برای تصمیم‌گیری اخلاقی درباره زندگی فردی که دچار مرگ مغزی شده است، باید اطلاعاتی درباره این موضوع داشت. هر چند پاسخ برخی از سؤالات در این عرصه، نیازی به آشنایی با مسائل پزشکی مرگ مغزی ندارد. برای مثال، این سؤال که «ما تا کجا حق تصمیم‌گیری در مورد زندگی فرد دیگری را داریم؟» آیا می‌توان برای حفظ جان کسی، هزینه‌های سنگینی بر بیت المال تحمیل نمود؟ اصولاً، آیا ما حقی نسبت به زندگی و مرگ افراد دیگر داریم؟ حدود و ثغور آن کلام است؟ در عین حال، برخی از مقدمات استدلال اخلاقی برای این موضوع، نیاز به آشنایی با مسائل پزشکی مرگ مغزی دارد. به عنوان مثال، اینکه «چگونه می‌توان هم از نظر پزشکی و هم از نظر حقوقی تعیین کرد که کسی چه زمانی می‌میرد؟»، «آیا مرگ مغزی ملاک قطعی و نهایی است؟»، «کدام کارکرد مغز را ما به عنوان امر متمایز کننده مرگ و زندگی بر می‌گزینیم؟ چرا؟»

رابطه اخلاق کاربردی و اخلاق عملی

ممکن است گفته شود منظور از «اخلاق کاربردی» همان اخلاق عملی است. در حالی که چنین نیست. اخلاق عملی، در مقابل اخلاق نظری است که می‌تواند دو معنا داشته باشد: نخست، اخلاق عملی به این معنای است که یک فرد عملاً متخلق به اخلاق است؛ پایبند به فضایل اخلاقی و از رذایل اخلاقی دوری می‌گزیند؛ به گزاره‌های «علم اخلاق» عمل می‌کند. تمایز اخلاق عملی به این معنا، با اخلاق کاربردی بسیار روشن است؛ زیرا اخلاق کاربردی از مقوله علم و دانش است، اما اخلاق عملی به این معنا، از مقوله عمل و رفتار است. دومین معنای اخلاق عملی عبارت است از: علم به چگونگی تحقق فضایل و رذایل اخلاقی، یا دانش گزاره‌های «علم اخلاق»، اعم از اینکه داننده این علم، عملاً در صدد تخلق به اخلاق فاضله و زدودن اخلاق رذیله باشد، یا نه. در این علم، فرد به خوبی وظیفه خود را برای تخلق به امانت‌داری و یا پرهیز از غیبت می‌داند. و اینکه چگونه می‌تواند تخلق به آن فضیلت و رهایی از این رذیلت را در خود، یا دیگران نهادینه کند. به طور کلی، بی‌حیایی از رذایل اخلاقی است؛ زیرا حد افراط عفت است و یا به این دلیل که مورد نهی خداوند است و یا چون ما را از هدف نهایی و کمال واقعی مان دور می‌سازد. اما در اخلاق عملی، به معنای دوم، تلاش می‌شود چگونگی پرهیز از این رذیله و یا زدودن آن در زندگی فردی یا اجتماعی، آموزش داده شود.

اما اخلاق کاربردی، معنای بسیار خاص‌تری از اخلاق عملی به معنای دوم دارد: اولاً، کلی و عام نیست، بلکه متمرکز بر مسئله یا مسائل خاص است. ثانیاً، تمرکز آن بر حل تراحمات اخلاقی است. ثالثاً، به دنبال استنباط احکام اخلاقی مسائل نوپدید است و رابعاً، اخلاق عملی به این معنا، همان علم اخلاق یا دست کم زیر مجموعه علم اخلاق است. در حالی که گفته شد، اخلاق کاربردی، با علم اخلاق متفاوت است.

رابطه اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای

ممکن است گفته شود که اخلاق کاربردی، همان اخلاق حرفه‌ای است. این دیدگاه نیز درست نیست. توضیح آنکه، اخلاق حرفه‌ای ناظر به حرفه‌ها است.^۲ تعاریف متعددی برای اخلاق حرفه‌ای شده است.^۳ به عنوان مثال، گفته‌اند: «اخلاق حرفه‌ای، مجموعه‌ای از استانداردها و قواعد است که بر نحوه رفتار تمام اعضای یک حرفه اعمال می‌شود.» در

تعریف کارکردی از اخلاق حرفه‌ای باید گفت که اخلاق حرفه‌ای، وظایف اخلاقی صاحبان حرف مختلف را مشخص می‌کند. به عنوان مثال، مشخص می‌کند که وظایف اخلاقی یک استاد در مقابل دانشجویان چیست؟ وظایف اخلاقی دانشجویان در مقابل استادان کدام‌اند؟ در نتیجه، معیار یک استاد خوب، یا یک دانشجوی خوب نیز به دست می‌آید؛ یعنی فضایل و رذایل این حرفه نیز تعیین می‌شوند. البته در اخلاق حرفه‌ای نیز همچون اخلاق کاربردی، تراحمات اخلاقی و به اصطلاح، معماهای اخلاقی در حرفه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند تا راه حلی برای آنها پیدا شود. تخلفات حرفه‌ای نیز در اخلاق حرفه‌ای مورد نقد قرار می‌گیرند. در حالی که اولاً، اخلاق کاربردی منحصر به حرفه‌ها نیست. به عنوان مثال، متخصصان اخلاق کاربردی در حوزه مسائل «شهروندی»، «معاشرت» یا «محیط زیست» و ... وارد می‌شوند و در جهت حل آن مسائل اقدام می‌کنند. در حالی که، طبق هیچ اصطلاحی، حرفه به شمار نمی‌روند. به عبارت دیگر، اخلاق کاربردی از نظر گستره مباحث، اعم از اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای، ناظر به اخلاقیات شاغلان در حرفه‌های گوناگون است. مثلاً، مباحث اخلاقی در حوزه بهداشت و درمان، وکالت و قضاوت، مدیریت و کارمندی، و پلیس و... را مورد بحث قرار می‌دهد. اما اخلاق کاربردی، در مسائلی همچون رابطه انسان با خدا (اخلاق عبادی)، زندگی شخصی، زندگی خانوادگی، روابط جنسی و امثال آن هم مطرح است. در حالی که، این مسائل را نمی‌توان جزو حرفه‌ها به شمار آورد. بر این اساس، می‌توان گفت: به یک معنا، اخلاق حرفه‌ای زیر مجموعه اخلاق کاربردی است. شاخه‌ای از شاخه‌های بسیار متنوع اخلاق کاربردی است^۴ که اولاً، وظایف اخلاقی صاحبان حرفه‌های خاص را تبیین می‌کند. ثانیاً، به صاحبان مشاغل و حرفه‌های گوناگون کمک می‌کند تا مسائل اخلاقی حرفه خود را به درستی تشخیص داده و تراحمات اخلاقی در آن عرصه را حل نمایند. باید توجه داشت که در اخلاق حرفه‌ای، صرفاً به وظایف اخلاقی افراد و صاحبان حرفه‌ها اکتفا نمی‌شود، بلکه از مسئولیت‌های اخلاقی سازمان‌ها و نهادها نیز سخن به میان می‌آید. هر چند مسئول دانستن سازمان یا نهاد، نیازمند حل برخی مسائل فلسفی در این زمینه است؛ زیرا مسئولیت و وظیفه متفرع بر اختیار است. در حالی که در نگاه نخست، سازمان یا نهاد فاقد اختیارند. افراد شاغل در سازمان‌ها و نهادها، واجد اختیار و در نتیجه، مسئولیت هستند.

علاوه بر این، اخلاق حرفه‌ای غالباً موضوع محور است. همه وظایف اخلاقی صاحبان حرفه‌های گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما همان‌طور که گفته شد، اخلاق کاربردی مسئله محور است. به عنوان مثال، در اخلاق کاربردی همه مسائل اخلاقی پزشکان و پرستاران بحث نمی‌شود، بلکه بر چالش‌ها و تراحمات اخلاقی آنها و مسائل نوپدید این حرفه تأکید می‌شود. اما در اخلاق حرفه‌ای، همه احکام اخلاقی پزشکان و پرستاران، در همه عرصه‌های پزشکی مورد بحث قرار می‌گیرد.

ارتباط اخلاق کاربردی و فرااخلاق

با توجه به آنچه درباره اخلاق کاربردی گذشت، باید گفت اخلاق کاربردی، ارتباطی تنگاتنگ با فرااخلاق دارد. اخلاق کاربردی، میدان تحقق و آزمون دیدگاه‌های فرااخلاق است. هرچند ممکن است برخی مباحث فرااخلاق، مستقیماً در مسائل اخلاق کاربردی نقشی نداشته باشند و متخصص اخلاق کاربردی، نیازی به آگاهی عمیق نسبت به آنها نداشته باشد. برای مثال، چندان نیازی به مباحث معناشناسی موضوعات و محمولات اخلاقی، در متخصص اخلاق کاربردی نیست. اما مباحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی جملات اخلاقی، ابزارهایی لازم برای متخصص اخلاق کاربردی هستند. موضع فرد در آن مسائل، به شدت دیدگاه‌های او در مسائل اخلاق کاربردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اصولاً بدون داشتن موضعی مشخص در این حوزه‌ها، نمی‌توان در مسائل اخلاق کاربردی دیدگاهی عالمانه و محققانه و با ثبات داشت. این نوع مسائل فرااخلاق، برای متخصص اخلاق کاربردی همچون قواعد فقهی و اصولی برای فقیه است. هیچ فقیهی بدون در اختیار داشتن قواعد فقهی و مبانی اصولی، توانایی استنباط مسائل فقهی را ندارد. به عنوان مثال، دیدگاهی که احکام و گزاره‌های اخلاقی را واقعی می‌داند، سعی می‌کند با تکیه بر همین مبنا، وظایف اخلاقی حرفه‌ها و مشاغل خاص را مشخص کند. علاوه بر این، سعی می‌کند با تکیه بر همین مبنا، حکم اخلاقی مسائل نوپدید را استنباط نماید. یا دیدگاهی که احکام و گزاره‌های اخلاقی را مطلق می‌داند و آن را تابع شرایط زمانی و مکانی و سلیقه‌ای نمی‌داند، در مقام عمل و تحقق عینی، با دیدگاهی که واقعیت احکام اخلاقی را نسبی می‌داند، نتایجی کاملاً متفاوت پدید می‌آورند. پاسخ آنها به مسائل نوپدید، لزوماً یکسان نخواهد بود. راه حلی که برای رفع تراحم اخلاقی ارائه می‌دهند، ممکن است متفاوت

باشد. به عنوان مثال، پاسخ به پرسش‌های ذیل در مورد مرز میان آداب و اخلاق، در گرو تعیین موضع ما درباره واقع‌گرایی و غیر واقع‌گرایی و همچنین اطلاق و نسبییت احکام اخلاقی است:

در برخی روایات توصیه شده است که «عاشر القوم بأدابها؛ وظیفه اخلاقی شما ایجاب می‌کند که با هر قوم و گروهی طبق آداب و رسوم‌شان رفتار نمایید. اما آیا حد و مرز مراعات آداب هر قومی تا کجاست؟ تفاوت میان اخلاق و آداب چیست؟ آیا در اخلاق هم می‌توان گفت که «عاشر القوم باخلاقها»؟ با فرض اینکه، این حدیث مخصوص آداب باشد و شامل اخلاقیات نشود، در جایی که یک مسئله‌ای در میان یک قوم خاص، جزء آداب آنها تلقی شود، اما برای آن فرد، جزء اخلاقیات باشد، در آن صورت چه باید کرد؟ برای مثال، دست دادن زن و مرد نامحرم با یکدیگر، ممکن است در جایی جز آداب اجتماعی باشد و در جایی دیگر جزء اخلاقیات، در این صورت چه باید کرد؟

رابطه اخلاق کاربردی با اخلاق هنجاری

اخلاق هنجاری، به دنبال قواعد اخلاقی و معیارهایی برای ارزش‌داوری اخلاقی است. مکاتب مختلف اخلاقی، هر یک متناسب با نوع نگاه خود به جهان و انسان و برداشتی که از هدف نهایی زندگی دارند، معیارهای مختلفی برای ارزش‌داوری اخلاقی بیان کرده‌اند. در یک تقسیم بندی کلان، می‌توان همه نظریات اخلاقی و معیارهای ارزش‌داوری اخلاقی را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. معیارهای وظیفه‌گرایانه و ۲. معیارهای غایت‌گرایانه.

روشن است که اتخاذ هر یک از این مواضع، در نوع نگاه ما در اخلاق کاربردی تأثیرات خاص خود را دارد. بر اساس معیارهای وظیفه‌گرایانه، شیوه ارزش‌داوری اخلاقی در حرفه‌ها و مشاغل گوناگون و همچنین راه حل تراحمات اخلاقی و احکام اخلاقی مسائل نوپدید متفاوت با نوع برخورد با این مسائل، بر اساس معیارهای غایت‌گرایانه خواهد بود. به عنوان مثال، آیا سربازی که از شرکت در جنگ و کشتن سربازان جبهه مقابل خودداری می‌کند، از نظر اخلاقی درست است یا نادرست؟ اگر از منظر وظیفه‌گرایی و مطلق‌گرایی کانتی به این موضوع نگاه کنیم، یک پاسخ خواهیم داد و اگر از منظر غایت‌گرایی و نظریه اخلاقی اسلام به آن بنگریم، ممکن است پاسخی دیگر ارائه دهیم. برخی از نویسندگان، پاسخ به این پرسش را وابسته به تأویل سؤال شونده از کشتن و عمل

سربازها و امثال آن می‌دانند.^۵ در نگاه دقیق‌تر، قضاوت درباره‌ی درستی یا نادرستی این عمل، به بسیاری از امور دیگر وابسته است. غایت و فلسفه‌ی این جنگ چیست؟ علت سرپیچی دقیقاً چیست؟ جبهه‌ی مقابل چه کسانی هستند؟ و...

نتیجه‌گیری

اخلاق کاربردی، در حقیقت به معنای کاربرست مبانی و معیارهای اخلاقی است. مبانی ارزش‌داوری اخلاقی، در فرااخلاق مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و معیارهای ارزش‌داوری اخلاقی نیز توسط اخلاق هنجاری ارائه می‌شوند. وظیفه‌ی اخلاق کاربردی این است که آن مبانی و این معیارها را در عمل به کار گیرد. طبیعتاً هنگام به کارگیری آن مبانی و این معیارها در عالم خارج و واقعیت عینی زندگی فردی و اجتماعی، ممکن است نیاز به اصلاحات و تقییداتی در مبانی و معیارها باشیم. البته این سخن به معنای پذیرش نظریه‌ی «سازگاری متأملانه» جان رالز و یا حاکی از یک «شک‌گرایی» خفیف و مستتر نیست، بلکه بر اساس واقع‌گرایی و مطلق‌گرایی حداقلی،^۶ ممکن است برخی از قیود و شرایط واقعی در نگاه نخست از دید ما پنهان بمانند و به هنگام توجه به واقعیت‌های عینی و مصادیق خارجی، آن قیود واقعی، خود را آشکار نمایند و یا قوه‌ی ادراکی ما نسبت به کشف آنها تحرک بیشتری از خود نشان دهد. به عنوان مثال، وقتی با تکیه بر آن مبانی و معیارها، به وظیفه‌ی راست‌گویی عمل می‌کنیم و به این حکم اخلاقی، جامه‌ی تحقق عینی و خارجی می‌بخشیم، متوجه می‌شویم که این حکم، ظاهری غلط‌انداز دارد؛ زیرا تا به حال گمان می‌کردیم «راست‌گویی» بدون هیچ قید و شرطی، موضوع حکم «خوب» قرار گرفته است. اما وقتی می‌بینیم که راست گفتن ما مستلزم ضررهای جانی و بدنی فراوانی به فرد یا افرادی بیگناه است، این حقیقت را به دست می‌آوریم که موضوع، حکم، صرف «راست‌گویی» نیست، بلکه این موضوع دارای قیود و شرایط دیگری نیز هست.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک احمدحسین شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، مباحث مقدماتی.
۲. حرفه در نگاه اول و در برداشت عمومی، معنایی روشن دارد؛ زیرا عموماً آن را به مصادیق تعریف می‌کنند: مثل رانندگی، پزشکی، معلمی، و ... اما با نگاه دقیق و علمی، ارائه تعریفی جامع و مانع از آن کار ساده‌ای نیست. مؤلفه‌ها و ارکان اصلی حرفه را چنین بیان کرده‌اند: «اشتغال»، «کسب روزی از راه کار»، «اختیاری بودن»، «خدمت‌محوری»، «مثمر به ثمر بودن»، «مطلوبیت اجتماعی داشتن»، «برخورداری از دانش، مهارت و توانایی»، «استقلال و خودمختاری» و «اقتدار». (احد فرامرز قراملی و همکاران، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، ص ۶-۷).
۳. محمدتقی اسلامی و دیگران، اخلاق کاربردی، ص ۹۰-۹۲؛ ترجمه مقاله «اخلاق حرفه‌ای» از دائرةالمعارف اخلاق کاربردی، ج ۳، ص ۶۷۱-۶۸۱.
۴. احد فرامرز قراملی و همکاران، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، ص ۱۱-۱۲.
۵. ر.ک: بابک احمدی، معمای مدرنیته، فصل مدرنیته و فلسفه اخلاق.
۶. برای مطالعه بیشتر، ر.ک جمعی از نویسندگان، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۸۹-۹۵.



منابع

- شریفی، احمدحسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم، معارف، ۱۳۸۴.
- فرامرز قراملی، احد و همکاران، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
- اسلامی، محمدتقی و دیگران، اخلاق کاربردی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- جمعی از نویسندگان، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵.
- احمدی، بابک، معمای مدرنیته، فصل مدرنیته و فلسفه اخلاق، چ چهارم، تهران، مرکز، ۱۳۸۵.